

تحلیلی بر مدل‌های مزیت رقابتی ملل و ارائه یک الگوی مفهومی

اسماعیل ملک اخلاق^۱، محمد طالقانی^۲، علی فخری لرقرق^۳

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان

Dr. Malekakhlagh@yahoo.com

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد رشت

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی دانشگاه گیلان

Ali1980fakhri@yahoo.com

شماره همراه: ۰۹۱۲۴۵۰۳۹۳۶

چکیده

از نظر تاریخی رویکردهای مختلفی در ارتباط با مزیت‌های رقابتی ملل مطرح بوده. در سال ۱۹۹۰ نگاه دانشمندان نسبت به مزیت رقابتی ملل بارائه مدل الماس توسط پروفیسور پورتر استاد دانشگاه بازرگانی هاروارد تغییر کرد. در ادامه نظریه پردازان مختلفی سعی در اصلاح مدل الماس کردند. در حوزه نظری افرادی چون دانینگ، راگمن، وربک، بوش، چو و مون با نقد مدل پورتر به اصلاح و ارائه مدل الماس پرداختند. بیشتر انتقادات در ارتباط با محیط رقابتی، عوامل انسانی، شرکتهای چند ملیتی و نقش فرهنگ بود. در این مقاله قصد داریم با مروری کلی بر مفاهیم رقابت پذیری ملی، به تحلیل و مقایسه مدلها و نظریات پرداخته و در نهایت با ارائه یک مدل مفهومی مدلها و نظریات قبلی را اصلاح و ارتقاء دهیم. ساختار کلی این مقاله عبارت است از مقدمه، ادبیات تحقیق، مدلهای رقابت پذیری ملی، انتقادات بر ساختار مدلهای مزیت رقابتی، ارائه مدل مفهومی و تشریح عوامل رقابتی ملی و نتیجه گیری و پیشنهادات.

• **کلید واژه: رقابت پذیری ملل، مزیت رقابتی، مدلهای الماس، نیروی انسانی.**

۱- مقدمه

با تغییر و تحولاتی که هرروزه رخ می دهد، با ظهور مفاهیمی همچون جهانی شدن، شرکتهای چند ملیتی، خصوصی سازی، سطح رقابت بین کسب و کارها به فراترین حد خود یعنی عرصه بین الملل کشیده شده است در این کشمکش دولتها نیز به دلیل اهمیتی که رقابت، صادرات و بقای صنایع دارند ملزم به رقابت می شوند لذا رقابت پذیری به تقابل نیروهای اقتصادی بین المللی دولتها کشیده می شود. در این بین

چاره ای جز رقابت نیست. دهکده جهانی هر لحظه در حال کوچک شدن است و کسانی باقی می ماندند که توانایی بیشتری داشته باشند، رقابت برای بقا و شرایط بهتر زندگی. موضوعی نیست که با رقابت پذیری ارتباط نداشته باشد. زمانی که از مزیت رقابتی و تحلیل رقابت پذیری کشورها صحبت می کنیم رویکرد تحلیلی نیز باید جهانی و فراگیر باشد، صنایع جهانی، نیروی انسانی جهانی و دولتهای جهانی. بی شک بقای کشورها وابسته به سطح رقابتی آنها خواهد بود. اقداماتی که کشورهایی همچون ژاپن در نیم قرن پیش، کره و ترکیه و چین در سالهای اخیر انجام داده اند می تواند سرلوحه فعالیتهای امروز ما باشد.

هر نظریه ای بنا بر شرایط ملموس زمان خود مطرح می شود و براساس کارکردها و تغییرات علمی به مرور اصلاح می شوند. در هر یک از برهه های زمانی مسائل نوین و نوظهوری هستند که بیش از سایرین جلب توجه می کنند. باتوجه به روند تاریخی رقابت پذیری ملل نظریه پردازان سنتی کسب و کار یعنی سوداگران یا مرکانتلیستها به مسائلی از قبیل سرمایه و نیروی کار و منابع طبیعی به عنوان رقابت پذیری ملل توجه کرده اند [4]. آدام اسمیت برخلاف سوداگران تأکید بر تجارت آزاد داشته و ملل را این طور راهنمایی می کند که هر یک به دنبال تولید کالاهایی باشند که در آن مزیت مطلق دارند. بنابراین سطح تولید و کارایی در جهان افزایش می یابد و همه از آن منتفع خواهند شد. از نگاه ریکاردو در تئوری مزیت نسبی کارایی کشورها مورد توجه قرار گرفته است [15]. مدل الماس و رویکردهای پس از آن در تحقیقات متعددی و در مورد اغلب کشورها مورد استفاده قرار گرفته است و اعتبار مدل بارها مورد تأیید قرار گرفته. هدف از طراحی مدل معرفی بهترین و کارآترین عوامل جهت ارزیابی رقابت پذیری ملل است، زیرا طی این مدت دنیای کنونی دچار تغییر و تحولات شگرفی شده و مهمترین آن فناوری های اطلاعات می باشد که عصر جدید را به نام خود کرده است. با ارزیابی صحیح از منابع رقابت پذیری می توان استراتژی های آینده را به روشنی مشخص کرد.

۲- ادبیات تحقیق

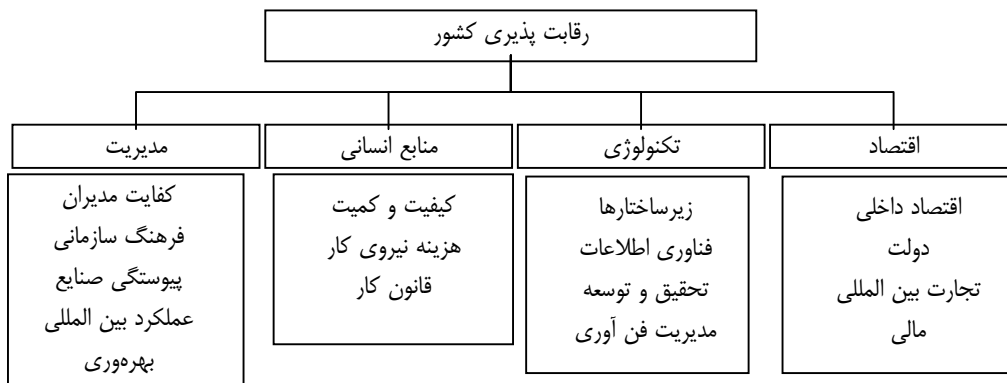
تحقیقات زیادی در ارتباط با رقابت پذیری انجام شده اما عموماً توجه آنها بر کاخانجات و یا سطوح صنایع متمرکز بوده اند. با مروری در ادبیات رقابت پذیری کشورها می توان نظریات و تحقیقات این حوزه را در سه دسته طبقه بندی کرد. گروه اول شامل عباراتی می شود که با بیان یک یا چند جمله سعی در تعریف رقابت پذیری کشورها، تشریح عوامل، اهمیت و ابعاد آن دارند. با ارائه نظراتی ویژگی های کارکردی آن را اعم از چگونگی تصمیم گیری و انتخاب راهکار، راههای کسب مزیت رقابتی و نتایج رقابت پذیری کشورها بیان می دارند. این دسته عموماً بسیار کلی، مبهم و قابل تفسیر بوده و تصویر روشنی از این مسئله ارائه نمی کنند. دسته دوم تعاریف که از وضوح بیشتری برخوردار هستند فهرستی از ویژگی ها، معیارها و زیر شاخه های آنها را برای کشورهای مختلف در این زمینه طبقه بندی می کنند و با بکارگیری این معیارها نتایج و اثرات عوامل را بر هم بیان می کنند. دسته سوم مدلهایی هستند که با طرحی هندسی عوامل را در کنار یکدیگر قرار می دهند و تعاملات آنها را بر هم تشریح کنند. یکی از مهمترین ویژگیهای مدلها سادگی، قابل فهم، دقیق و در عین حال جامع بودن آنهاست. در مدلها محقق سعی می کند مهمترین و اثربخش ترین عوامل تأثیر گذار بر یک موضوع خاص را در قالب یک طرح ارائه دهد. بخش اصلی این مقاله در ارتباط با مدلهای رقابت پذیری است لذا این گروه را بصورت مجزا بررسی می کنیم.

در یک تعریف جامع رقابت پذیری یک کشور درجه ای است که بتواند تحت شرایط بازار آزاد و مناسب، کالاها و خدماتی را ارائه دهد که به استانداردهای بازارهای بین المللی دست یابد و در عین حال همزمان درآمد واقعی و کیفیت زندگی مردم آن کشور برای یک دوره بلند مدت بهبود می یابد [8, 13, 15]. از نظر اسکات و لوج رقابت پذیری ملی اشاره به توانایی کشورها جهت ایجاد، معرفی و توزیع خدمات و محصولات در عرصه کسب و کار بین المللی دارد و از طریق منابع درآمدها افزایش یابد [11]. موسسه توسعه مدیریت رقابت پذیری ملی را نحوه عملکرد دولتها در ایجاد و حفظ محیطی که در آن به رقابت پردازند تعریف می کند [23]. مجمع اقتصاد جهانی، رقابت پذیری را مجموعه ای از برنامه ها، خط مشی ها و سیاستهای حمایتی اقتصادی می داند که نرخ رشد اقتصادی را از یک وضعیت متوسط به وضعیت عالی ببرد [22]. گرچه تعاریف کاملاً مشابه نیستند، اما همه آنها دارای یک وجه مشترک هستند و آن بوجود آوردن یک محیط مساعد جهت توسعه سطح رفاه یک کشور است [16].

هر ساله بعضی از سازمانها همچون انجمن توسعه اقتصادی، مجمع اقتصاد جهانی و موسسه توسعه مدیریت با فهرست بندی کردن عوامل و زیر مجموعه ها سطوح رقابت پذیری کشورها را مقایسه و رتبه بندی کنند. این رتبه بندی به تصمیم گیرندگان سیاست ملی و سرمایه گذاران کمک می کند تا روابط دستیابی موفقیت کشورها را بررسی کنند و بهترین گزینه ها را انتخاب کنند. مجمع اقتصاد جهانی، رقابت

پذیری را در کشورهای مختلف براساس شاخص های قوانین تجاری آزاد، دولت، شاخص های مالی، زیر ساختها، فن آوری، مدیریت، نیروی کار و تأسیسات عمرانی [22]. موسسه توسعه مدیریت رشد رقابت پذیری در کشورها را براساس سه عامل اقتصادی، ملی و تکنولوژیکی می‌سنجد. بنابراین ارزیابی کشورها به دو بخش تقسیم می‌شوند اقتصادهای محوری که نوآوری های تکنولوژیکی برای رشد آنها با اهمیت هستند و غیر محوری که توسط تطبیق با گستردگی تکنولوژی توسعه یافته اند. تفاوت اصلی بین فهرست های این دو موسسه اینست که مجمع اقتصاد جهانی تاکید بیشتری بر داده های نرم (نظرخبرگان) دارد در حالی که موسسه توسعه مدیریت بر آمار و ارقام موجود تأکید دارد. نشریه رقابت پذیری جهانی به ۹ عامل اشاره می‌کند. نهادها، زیرساختها، اقتصاد کلان، سلامتی و تحصیلات ابتدایی، تحصیلات عالی و آموزش، بهره وری، آمادگی تکنولوژیکی، پیچیدگی شغلی و نوآوری [19].

بعضی افراد نیز فهرستهایی را بعنوان عوامل رقابت پذیری معرفی کرده اند. از نظر "دوربان" بهره‌وری، شرایط اقتصادی، پایداری سیاسی- اجتماعی، منابع انسانی، چهار بخشی هستند که می‌بایست برای تداوم رقابت پذیری حمایت شوند. شول آنسل و همکارانش ده عامل شاخص های جامع عملکرد دولت، محیط کلان اقتصادی، تکنولوژی و نوآوری، منابع انسانی، زیرساختهای عمومی، موسسات ملی، رقابت داخلی، توسعه خوشه ها، استراتژی و عملیات شرکتها و محیط را برای ارزیابی رقابت پذیری کشورها استفاده می‌کنند [21]. چیانگ کائو و همکارانش نیز ترکیبی از عواملی که توسط موسسات سازمان‌های جهانی استفاده می‌شود را با ساختار نگاره ۱، بکار می‌گیرند [2].



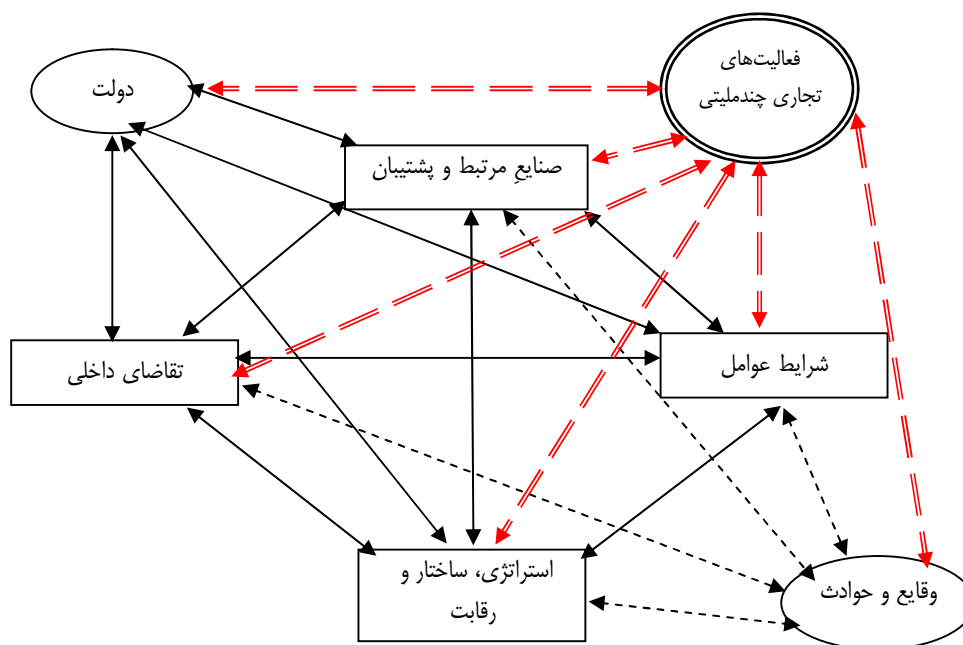
نگاره ۱: طبقه بندی سطح اول و دوم عوامل رقابت پذیری کشورها [2].

۳- مدل‌های رقابت پذیری ملل

بخش دیگری از نظریات رقابت پذیری ملل که بحث اصلی این مقاله می‌باشد شامل مدل‌هایی می‌شود که عوامل را در ساختاری نظام یافته گرد هم آورده. نظریاتی که قبل از پورتر ارائه می‌شد بیشتر سیاستها و استراتژی‌ها را مشخص می‌کردند و یا به بیان عوامل مؤثر اشاره داشتند. برای اولین بار پورتر الگوئی را جهت ارزیابی مزیت‌های رقابتی ملل ارائه کرد. او جهت بررسی چگونگی کسب مزیت رقابتی ملل در صنایع مختلف و بکارگیری استراتژی کارخانجات برای اقتصادهای ملی در یک پروژه دولتی عملکرد تجاری ۱۰ کشور را به مدت ۴ سال مورد مطالعه قرار داد. عوامل مدل الماس یک سیستم خودمحرک و تعاملی هستند و محیطی را خلق می‌کنند که نوآوری در کشور به سرعت و مرتباً تکرار شود و هر بخش بر بخش دیگر تأثیر می‌گذارد. نگاه سلسله مراتبی پورتر به عوامل مدل الماس شامل منابع، صنایع، تقاضا، رقابت و دولت می‌شود [15]. پورتر بیان می‌کند که یک برابری در عصر حاضر وجود دارد و ملل مشابه هم هستند و آن ظرفیتهای ملل است. طرح جدیدی از نظریه آدام اسمیت، که برای موفقیت و رشد در صنایع رقابت پذیری نیاز به توجه زیادی دارد [4]. به دلایل اهمیت موضوع تحقیقات پورتر و مدلی که او ارائه کرده بود الماس مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفت. الماس از ۴ جز داخلی مرتبط باهم تشکیل شده که عبارتند از ۱- فاکتورهای درونی ۲- شرایط تقاضای درونی ۳- صنایع مرتبط و هماهنگ کننده ۴- استراتژی ساختار و رقابت، و دو پارامتر خارجی دولت و شانس [10].

در حالی که مدت کوتاهی از انتشار کتاب مزیت رقابتی ملل نگذشته بود، همچنان اظهار نظرهای متفاوتی در ارتباط با آن می‌شد. محققان و صاحب نظران این حوزه به نقد و بررسی تحقیقات پورتر پرداختند. در این راستا دانینگ در ۱۹۹۱ پیشنهاد که عامل شرکتهای چند ملیتی را بر مدل اضافه کنند. شرکتهای چند ملیتی همچون کشورهای بدون مرز جغرافیایی توانائی برقراری ارتباط و نفوذ در محیط ملی هر کشوری

را دارند. دانینگ معتقد است الماس تحلیل کامل و مناسبی از فعالیتهای فرا ملیتی و عملکرد شرکتهای چند ملیتی (MNCs) ارائه نمی کند. در نگاره ۲ مدل الماس و ضمیمه الحاقی دانینگ (خطوط جفت) برای شرکتهای چند ملیتی مشاهده می شود [11].



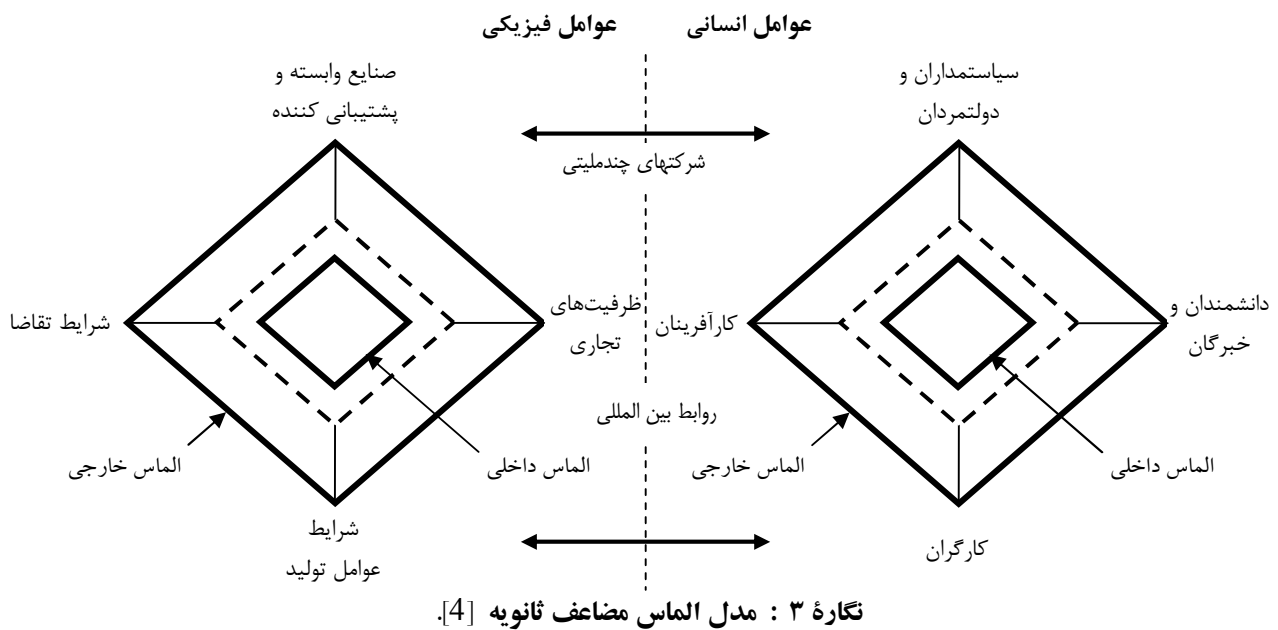
نگاره ۲: مدل الماس دانینگ - پورتر [11]

پورتر عوامل الماس را تنها در محیط هر کشور بررسی و مقایسه کرده بود، کشورهای زیادی وجود دارند که قسمت زیادی از روابط اقتصادی آنها متأثر از چند کشور خاص است و کل جامعه جهانی به یک اندازه بر یک کشور اثرگذار نیستند. راگمن در ۱۹۹۱ جهت ارائه مدلی جامع و فراگیر بیان کرد قدرت رقابت پذیری کشورها تنها متأثر از محیط داخلی و فعالیتهای شرکتهای چند ملیتی نمی تواند باشد بلکه کشورهای دیگری هم از جمله همسایگان و یا شرکای تجاری عمده در ایجاد، کسب و حفظ مزیت رقابتی نقش بسزایی دارند. به بیان دیگر راگمن بزرگی محیط را تا خارج از مرزهای یک کشور توسعه داد. پس الماس ملی مبدل به دو الماسی گردید که یکی خارجی و دیگری درونی بود و شرکتهای چندملیتی و تعاملات بین عوامل مدل بیان کننده سطح رقابت پذیری کشورها باهم بودند. این وضعیت در اقتصادهای باز یا کوچک بیشتر مشهود بود و در نهایت مدل الماس مضاعف توسط او ارائه شد. در این مدل عامل توسعه یافته محیط مورد بررسی بود [17].

بکارگیری مدل راگمن در مورد رقابت پذیری کشورهایی نظیر کانادا و پس از آن مکزیک در تبیین تأثیر الماس ایالات متحده بر الماس آنها در جهت سنجش این نظر صورت گرفت [18]. پس از آنها نیز با حمایت راگمن این مدل در تبیین مزیتهای رقابتی کره و سنگاپور بکار گرفته شد و نتایج حاکی از تأیید مدل الماس مضاعف در ساختار رقابت پذیری چنین کشورهایی بود [10]. در ادامه تحقیقات مزیت رقابتی کشورها و به دلیل برخی تشابهات در کشورهای منطقه اروپای غربی پیشنهاد شد که در این گونه کشورها از الماسهای چندگانه استفاده شود. زیرا به لحاظ ساختاری شباهت های زیادی با هم دارند و از درجه رشد و توسعه یافتگی یکسانی نسبت به کل کشورها برخوردار هستند. مشترکات فرهنگی زیادی بین آنها وجود دارد و از همه مهمتر اینکه دارای یک شریک تجاری عمده و خاص نیستند بلکه معاملات و روابط بین تعداد زیادی از کشورها تقسیم شده است. بخش عوامل مادی در نگاره ۳ نشان دهنده ساختار مدل الماس مضاعف است.

در عصر جهانی شدن، عوامل انسانی بین کشورها نشان می دهند که از اهمیت بالایی برخوردار هستند و به اندازه کافی مورد توجه اذهان قرار نگرفته اند. به همین دلیل چارچوبی که مزیت های رقابتی عوامل انسانی بین المللی را به اندازه کافی تشریح کند یافت نمی شود [4]. چو معتقد است مدل الماس شاخص های انسانی را از شاخص های فیزیکی متمایز نمی سازد. در واقعیت نقش گروه های مردمی برای تشریح اختلافات انواع توسعه اقتصادی با اهمیت می باشد [3]. او با تأثیر گروه های انسانی بر مدل پورتر مسائل نیروی انسانی را در کسب مزیت رقابتی با اهمیت دانست. چو در مدل ۹ عاملی علاوه بر ۴ عامل الماس ۴ عامل انسانی را نیز به آن اضافه نموده، این عوامل عبارتند از کارگران، سیاستمداران و دولتمردان، کارآفرینان و دانشمندان. بنابراین الماس از ساختاری کامل و پیشرفته برخوردار گردید.

اگرچه در مدل ۹ عاملی ۴ عامل انسانی به مدل افزوده شده بود اما همچنان هر یک از این عوامل را تنها در محیط داخلی یک کشور ارزیابی می‌کرد و توجهی به مسائل بین‌المللی و خارجی نداشت. چو در ادامه تحقیقاتش به همراه مون و کیم با رویکردی نوین در سال ۲۰۰۷ با جمع‌آوری کلیه نظرات یک الگوی جامع از رقابت‌پذیری بین‌کشورها را با نام مدل الماس مضاعف ثانویه با هدف درک و بهبود رقابت‌پذیری ملی معرفی کرد. این مدل جدید مدل‌های پیش از خود را در یک چارچوب واحد ادغام نموده، تا حد زیادی نقاط ضعف مدل‌های قبلی را پوشش داده بودند و عوامل انسانی در سطح بین‌المللی را مورد بررسی قرار داده [4]. مدل الماس مضاعف ثانویه با حفظ ساختار مدل الماس، محیط رقابتی را تا سطوح خارج از کشورها توسعه می‌دهد و عوامل انسانی را بر مدل خود می‌افزاید و هر یک از آنها را بر اساس موقعیت جغرافیایی و منطقه‌ای، جمعیت، وسعت و درجه رقابت‌پذیری به گروه‌های مختلفی بخش‌بندی می‌شوند و سپس در عوامل مختلف مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. در نگاره ۳ طرحی مفهومی از مدل الماس مضاعف ثانویه ارائه گردیده است.



۴- انتقاداتی بر ساختار مدل‌های رقابت‌پذیری ملی

پورتر تأکید زیادی بر واژه شناسی در ادبیات رقابت‌پذیری داشته است. شاید برخی از انتقاداتی که بر پورتر وارد شده ناشی از یک درک اشتباه در واژه شناسی باشد. بعنوان مثال پورتر از خوشه‌های صنعتی هر کشور صنایع مرتبط و پشتیبان را ارزیابی می‌کند. صنایع را از نظر تاریخی و ماهیت صنعت به گروه‌های مختلف تقسیم بندی می‌کند. سپس در هر گروه تمامی عناصر تشکیل دهنده را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. حتی شرکتهای چند ملیتی را در کشورهای مختلف در درون خوشه‌ها مقایسه می‌کند. اما در نهایت مورد انتقاد قرار می‌گیرد. همانطور که گفته شد از زمانی که مدل الماس به عنوان الگویی برای تحلیل رقابت‌پذیری ملی بیان شده توجه زیادی را به خود جلب کرد. مزیت‌های رقابتی ملل شاید جذابترین موضوع دنیای کنونی باشد. این توجه زیاد و جذاب بودن باعث نقدهای گوناگونی شد که از سال ۱۹۹۰ شروع شده و همچنان نیز ادامه دارد. همانطوری که در جدول ۱ مشاهده می‌شود. بسیاری از شاخص‌های اصلی مورد نقد قرار گرفتند و به مرور زمان مدل الماس توسعه یافت. شاخص‌های همچون شرکت‌های چند ملیتی، عوامل انسانی (۴عامل)، فرهنگ و محیط خارجی عمده‌ترین عواملی بوده‌اند که مورد بحث قرار گرفته و اضافه شده‌اند.

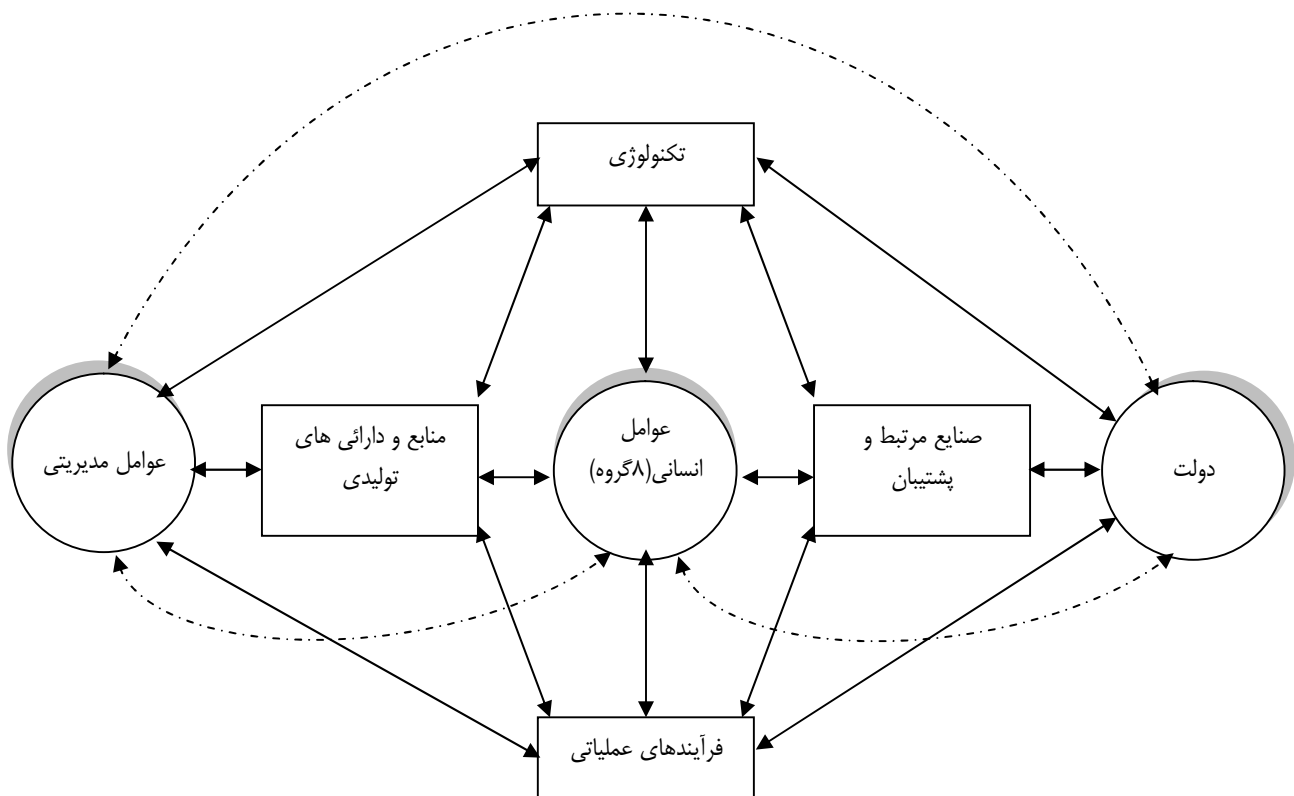
جدول ۱: مقایسه عوامل مدل‌های مزیت رقابتی ملل						
عوامل رقابت پذیری	مدل الماس مایکل پورتر ۱۹۹۰	مدل دانینگ، ۱۹۹۱	مدل الماس مضاعف (دوگانه)، راگمن ۱۹۹۱	مدل ۹ عاملی مون ۱۹۹۴	مدل الماس مضاعف ثانویه چو، مون و کیم ۲۰۰۷	مدل جامع رقابت پذیری ملل (پیشنهادی)
شرایط عوامل	✓	✓	✓	✓	✓	✓
شرایط تقاضای داخلی	✓	✓	✓	✓	✓	
صنایع مرتبط و پشتیبان	✓	✓	✓	✓	✓	✓
استراتژی، ساختار و رقابت	✓	✓	✓	✓	✓	✓ + عوامل مدیریتی
دولت	✓	✓	✓	✓	✓	✓
شانس	✓	✓		✓	✓	
شرکت های چند ملیتی		✓			✓	✓
عوامل انسانی (۴عامل)			✓	✓	✓	✓ + ۴ گروه جدید
محیط تجاری داخلی	✓	✓	✓	✓	✓	✓
محیط تجاری خارجی			✓		✓	✓
فرآیندهای عملیاتی						✓
تکنولوژی						✓

دکتر رهنورد طی مقاله ای (۱۳۷۸) انتقاداتی که نسبت به مدل الماس وارد بوده را در یک جمع‌بندی کلی بدین صورت بیان می‌کند [۱].

- اشکالات مربوط به محیط تحلیلی مدل: فرهنگ ملی، اقتصادهای کوچک، چند ملیتی.
 - اشکالات مربوط به عوامل مدل: نرخ‌های مبادله و معضل صادرات، فن‌آوری، نقش دولت و حمایت‌ها سیاسی.
 - اشکالات مربوط به ساختار مدل: پیش فرض ضمنی، چارچوب متزلزل، استنباطی بودن مدل.
- جدای از موارد مذکور اولین انتقادی که می‌توان بر مدل پورتر گرفت این است که بین عوامل الماس یک توازن و تعادل وجود ندارد و بسیاری از تعاریف مبهم هستند. ۵ شاخص منابع انسانی، منابع طبیعی (مادی)، منابع دانشی، منابع سرمایه‌ای و ساختارهای زیربنایی را در یک گروه قرار می‌دهد در حالی که هر یک از این‌ها خود به تنهایی موضوعات کلیدی و مهمی هستند، اما شرایط تقاضا را در یک گروه به تنهایی می‌آورد. شرایط تقاضای داخلی به عنوان یکی از عوامل کسب مزیت رقابتی نام می‌برد. در حالی که شرایط تقاضای داخلی نه تنها نمی‌تواند مزیت باشد بلکه در سوی دیگر می‌تواند یک ضعف باشد. چرا که با افزایش تقاضای داخلی (بنابر نظریه عرضه و تقاضا) قیمت کالا بیش از مقدار واقعی آن خواهد بود، توجه به کیفیت کمتر خواهد شد، فرصت برای حضور رقبای خارجی فراهم می‌شود و فراوانی تقاضای داخلی نشانه مصرف‌گرا بودن در فرهنگ یک کشور است. شرایط تقاضای جهانی برای یک صنعت اهمیت دارد نه تقاضای داخلی. از استراتژی، ساختار و رقابت در یک گروه استفاده می‌کند و دلیلی وجود ندارد که چرا فقط این ۳ شاخص در یک گروه قرار دارند؟ چرا عواملی مثل بهره‌وری در توضیحات این گروه لحاظ نگردیده. چرا از فرآیندهای عملیاتی حرفی به میان نیامده. در بسیاری از تعاریف نیاز به یک اصلاحات اساسی وجود دارد. شاید بهتر باشد عوامل مشابه، هموزن و تأثیر گذار با تعریف روشن آورده شوند.
- عامل شانس (رخدادها و وقایع غیرقابل پیش بینی و اتفاقی) به عنوان یک عامل مجزا در مزیت های رقابتی ملل معرفی می‌شود. گذشته از اینکه با توجه به متن کتاب پورتر حضور چنین واژه ای از نظر واژه شناسی صحیح نمی‌باشد، ولی باید دانست که علیرغم تمام بی نظمی‌ها و وقایع سالهای اخیر قرار می‌گیرند بیشتر به عوامل مدیریتی و دولتی مربوط می‌باشد، ولی باید دانست که علیرغم تمام بی نظمی‌ها و وقایع سالهای اخیر بسیاری از مسائل قابل پیش بینی می‌باشد. قیمت نفت حتی تا چند دقیقه بعد برآورد می‌شود. مسائل جنگی و نظامی به یکباره اتفاق نمی‌افتد و دولتها و سازمانهای ملی و بین‌المللی در وقوع یا عدم وقوع آن نقش دارند. حوادث طبیعی مثل سیل از هفته‌ها قبل قابل پیش‌بینی هستند. دولتها می‌توانند وقوع و خسارات ناشی از بلایای طبیعی را پیشگیری کنند. عملکرد ژاپن در مقابل زلزله نشان می‌دهد که می‌توان بسیاری از حوادث و احتمالات را حتی در بدترین شرایط کنترل کرد.

۵- ارائه مدل مفهومی و تشریح عوامل رقابت ملی

مدل پیشنهادی بطور کلی بر ۷ عامل کلیدی تأکید دارد. عوامل مدل به ترتیب عبارتند از عوامل انسانی، منابع و داراییهای تولیدی، فرآیندهای عملیاتی، تکنولوژی، عوامل مدیریتی، صنایع مرتبط و پشتیبان و در نهایت دولت. توازن و تعادل بین عوامل، نتایج حاصل از مدل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سعی شده این تعادل و توازن به نحو صحیحی صورت گیرد. ترکیب عوامل انسانی در مرکز این مدل قرار دارد. نیروی انسانی موتور محرک کشورها قلمداد می‌شود که با بکارگیری از ابزارها مزیت رقابتی را خلق می‌کند. علاوه بر سطح علمی و کیفی نیروی انسانی، فاکتورهایی همچون سرمایه و نوآوری آنها با اهمیت می‌باشد. بر اساس مدل‌های ارائه شده و با تکیه بر مدل‌های الماس اصلاحاتی در ساختار مدل صورت گرفته شده. دولت به دلیل اهمیت آن و نقش‌های متفاوتی که در مزیت‌های رقابتی ملل دارد در سه حوزه مورد بررسی قرار گرفته است. ۱- مسائل فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی که در مدل پورتر انتقادات زیادی بر آن شده بود. ۲- شاخص‌های اقتصادی که در ابتدای‌ترین مباحث رقابت پذیری ملل در نظریات مختلف نیز مورد توجه قرار می‌گرفتند و ۳- مسائل سیاسی و بین‌المللی.



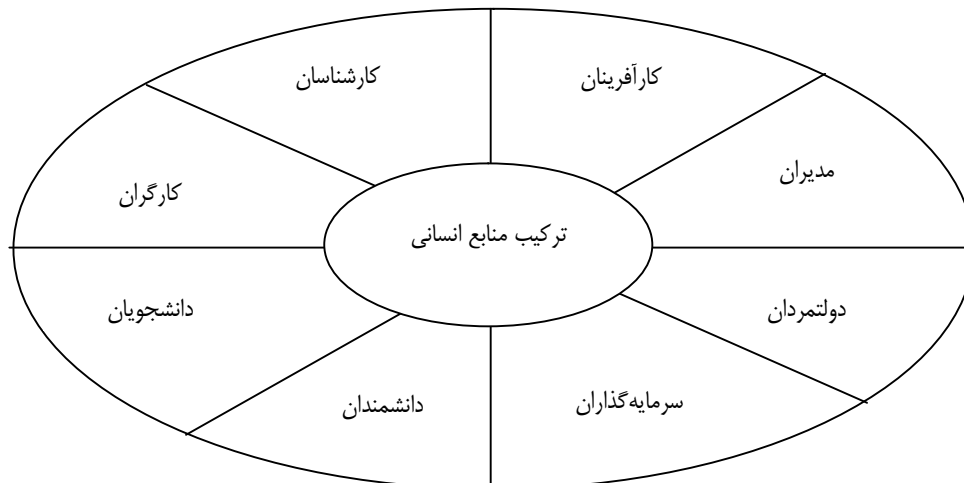
نگاره ۴: مدل نوین و جامع مزیت رقابتی ملل (پیشنهادی)

۵-۱- منابع انسانی

در عصر جهانی شدن، اهمیت عوامل انسانی بین‌المللی بخوبی نشان می‌دهند که مدل‌های ارائه شده در مورد مزیت‌های رقابتی ملل به اندازه کافی به این مورد توجه نکرده‌اند. لذا چارچوبی که به اندازه کافی گسترش یافته باشد تا عوامل انسانی بین‌المللی را جهت مزیت‌های رقابتی حل کند، ارائه نشده [4]. اهمیت و جایگاه منحصر به فرد نیروی انسانی در موقعیت رقابتی هر کشوری، باعث می‌شود به نیروی انسانی بعنوان با ارزش‌ترین سرمایه ملی، به صورت مستقل نگاه شود [3]. مزیت رقابتی حاصل از نیروی انسانی متخصص دوام و پایداری بیشتری نسبت به سایر مزیت‌های رقابتی دارند و زمان بیشتری لازم است تا رقبا بتوانند این مزیت‌های رقابتی را تقلید کنند [15]. انگیزش و حمایت می‌تواند باعث ارتقاء ابعاد انسانی یک سازمان یا کشور شود. به عنوان یک تهدید باید توجه داشت که علیرغم هزینه‌های سنگین تولید نیروی انسانی و طولانی بودن فرآیند این عامل به راحتی بین کشورها جابجا می‌شود لذا در صورت عدم بهره‌برداری یا عدم رضایت از شرایط ملی فرصت حاصل تبدیل به یک تهدید می‌شود و کشورهای رقیب از این عامل خارجی به عنوان اسلحه رقابتی استفاده می‌کنند.

در مدل الماس پورتر عوامل انسانی در زیر گروه شرایط عوامل در کنار منابع طبیعی و اولیه، زیرساختها و منابع سرمایه ای لحاظ گردیده اند. از نظر پورتر سرمایه علمی، فنی و بازاری کشورها نشان دهنده حامیان تولید کالاها و خدمات است. منابع دانشی در دانشگاه ها موسسات تحقیقاتی دولتی و خصوصی، آژانس های آماری دولت، تألیفات تجاری و علمی، گزارشات و پایگاه های تحقیقات بازاریابی موسسات معاملاتی و دیگر منابع مستقر هستند. دانشمندان ملی و دیگر منابع دانشی می توانند به زیر مجموعه هایی بشمارای همچون مهندسی در شاخه های مختلف، شاخه های علوم پایه و یا علوم انسانی تقسیم شوند [15]. اگر چه پورتر به سرمایه های ملی توجه کرده بود اما با عوامل انسانی به صورتی جامع برخورد نشده بود. بر اساس نظر چو در طراحی مدل ۹ عاملی و در ادامه در مدل الماس مضاعف ثانویه گروه های انسانی به ۴ دسته تقسیم می شوند. اگر چه چو در هیچ یک از مقالات خود به صورت واضح منظور و هدف خود را در تقسیم بندی عوامل انسانی کسب مزیت رقابتی بیان نکرده، اما کارگران، سیاستمداران و دولتمردان، کارآفرینان و متخصصین گروه هایی بودند که او مورد لحاظ قرار داده و این نوع نگرش بیشتر با توجه به تقسیم بندی سطح علمی عوامل نیروی انسانی می باشد [4]. مزیت رقابتی نشأت گرفته و حاصل از منحصر بودن نیروی انسانی است که خود را در قالب دارائیهای رقابتی نشان می دهد. در تعاریف ممکن است عوامل انسانی در بیش از یک تقسیم بندی قرار بگیرند و آن نیز بر کیفیت عوامل انسانی یک کشور می افزاید.

این مدل براساس مدل های پیشین و انتقادات و پیشنهادات مطرح شده از ساختاری متفاوتی برخوردار می باشد. ترکیب عوامل انسانی در دستیابی به مزیت رقابتی بیش از ۴ بخشی است که چو بیان می کند. در مرکز مدل عوامل انسانی، ترکیب نیروهای موجود و ساختار نیروی انسانی مورد مطالعه قرار می گیرد. هسته عوامل انسانی در مرکز این مدل بازیگران نقش ها در کلیه عوامل مورد مطالعه هستند. این تقسیم بندی براساس نظریات قبلی و نظر طراحان مدل ارائه شده بطوری که مزیت رقابتی از طریق نیروی انسانی ایجاد، حفظ و بکار گرفته شود و به مرور عوامل انسانی نیز رقابتی تر می شوند. کارگران ماهر (متخصصین تجربی)، دانشجویان (نیروی جوان)، کارشناسان، کارآفرینان، سیاستمداران و دولتمردان، مدیران حرفه ای، سرمایه گذاران و بازرگانان و دانشمندان ۸ عنصر تشکیل دهنده عامل نیروی انسانی در نگاره ۵ نشان داده شده.

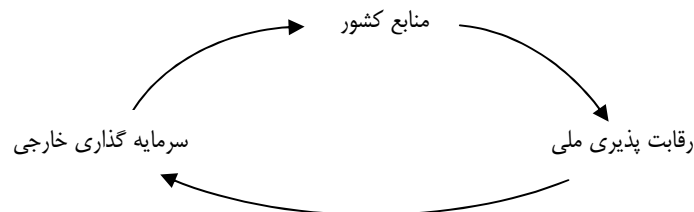


نگاره ۵: طبقه بندی عوامل انسانی در مدل جامع رقابت پذیری ملل (پیشنهادی)

با دقت بیشتر در تقسیم بندی عوامل انسانی متوجه خواهیم شد که خصوصیات دیگری بجز سطح علمی و تحصیلی را نیز می توان برای عوامل انسانی برشمرد. از نظر پورتر تجربیات نیروی انسانی کشورها در صنایع مختلف باعث ایجاد مزیت رقابتی در سطح گسترده ای از محیط می گردد. صنعت چاپ در آلمان، سرامیک در ایتالیا، صنایع شیرینی و شکلات در کشورهای همچون سوئیس و اتریش [15]. توانایی صنایع دستی در بسیاری از کشورها همچون ایران و پاکستان، نیجریه، آنگولا و چین نیز برگرفته از عوامل انسانی است. تجربه برگرفته از قدمت یک صنعت در بسیاری از کشورها باعث ایجاد مزیت رقابتی شده که به راحتی با معیارهای عددی قابل محاسبه نیست.

کارگران کسانی هستند در سطوح پائین و ابتدایی مزیت رقابتی فعالیتهای اقتصادی جاری و اساسی یک سازمان را انجام می‌دهند. هزینه های دستمزد و سطح توقعات از نظر صاحب نظران بر شرایط رقابتی موثر است شود کارگران متخصصینی هستند که طی زمان و با تکیه بر تجربیات به سطح عملکردی مطلوبو مهارت کاری دست می‌یابند. نیروی کار ماهر و توانائی برای دستیابی مداوم به نوآوری، پایداری و بهبود رقابت پذیری ملل حائز اهمیت است. بسیاری از کشورهای توسعه یافته و پیشرفته با معزل میانگین سنی بالا و رشد جمعیت منفی مواجه هستند و نیروی مورد نیاز خود را از کشورهای دیگر تامین می‌کنند. دانشمندان و متخصصین علمی نیز از گروهی تامین می‌شوند که از نظر موانع پنهان مانده. نیروی جوان و دانشجو (در حال تحصیل) گروهی است که در برنامه های کسب مزیت رقابتی می‌تواند تامین کننده نیازهای علمی و هم عملی در کسب مزیت رقابتی باشد. دانشجویان و نیروی جوان در حال تحصیل پشتوانه گروه های انسانی آینده هستند. کارشناسان گروهی هستند که با سطح تحصیلات خوب بیشتر در سطوح میانی سازمانها فناوری های جدید را بکار می‌گیرند و نیازهای متقابل را برآورده می‌سازند. کارآفرینان علیرغم وجود ریسک با جسارت و دانش خود به خلق ایده های جدید و اجرای آن می‌پردازند. سیاستمداران و دولتمردان برنامه های اقتصادی را طرحریزی و اجرا می‌کنند. مدیران حرفه ای مسئولیت مدیریت فعالیتهای تجاری را برعهده دارند. این گروه در واقع پل ارتباطی بین کشورها هستند. دانشمندان در بالاترین سطوح علمی به تربیت نیروهای علمی متخصص و خیره می‌پردازند و یا با تحقیقات بنیادین راهکارهای نوین و علمی را در حوزه های علمی و فنی ارائه می‌کنند.

عامل دیگری که در بحث رقابت پذیری مورد توجه قرار می‌گیرد حضور کسانی است که دارای تحصیلات علمی و یا دارای تجربیات عملی به آن معنایی که ایجاد مزیت رقابتی کنند، نیستند. این دسته دارای ثروت، سرمایه و اعتبارات مالی هستند. سرمایه گذاران و بازرگانان با توجه به نرخ بازده و ریسکهای سرمایه گذاری در موقعیت های مناسب سرمایه گذاری می‌کنند و یا اقدام به مبادله کالا و خدمات بین کشورها می‌پردازند. نمونه مشهود این دسته را می‌توان در حوزه کانادا، استرالیا، امارات متحده و مالزی دید. سرمایه و سرمایه دار می‌تواند با به حرکت درآوردن اقتصاد یک کشور بستر مناسبی را برای خلق مزیت رقابتی فراهم نماید. سرمایه گذاران علیرغم وجود خطرات ترجیح می‌دهند پول خود را بجای سپردن به بانکها و موسسات اعتباری به سمت فعالیت های با ارزش افزوده بالاتر انتقال دهند. حضور چنین گروهی در میان مردم رونق اقتصادی و بازار پویای رقابتی را محقق می‌سازد. جذب سرمایه گذاران خارجی نقش توسعه دهنده را در کشورها را برای رقابت پذیری ملی بازی می‌کنند، سرمایه گذاران خارجی می‌توانند باعث ارتقاء ظرفیتهای، بهبود مهارتها و توانمندیها شوند. شارون دونل در نگاره ۶ نشان می‌دهد که موفقیت کشورها در جذب سرمایه های ملی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی نوعی مشارکت در رقابت پذیری ملی است [20].



نگاره ۶: چرخه سرمایه گذاری خارجی - رقابت پذیری ملی [20].

۵-۲- منابع مادی (منابع طبیعی و زیرساختها)

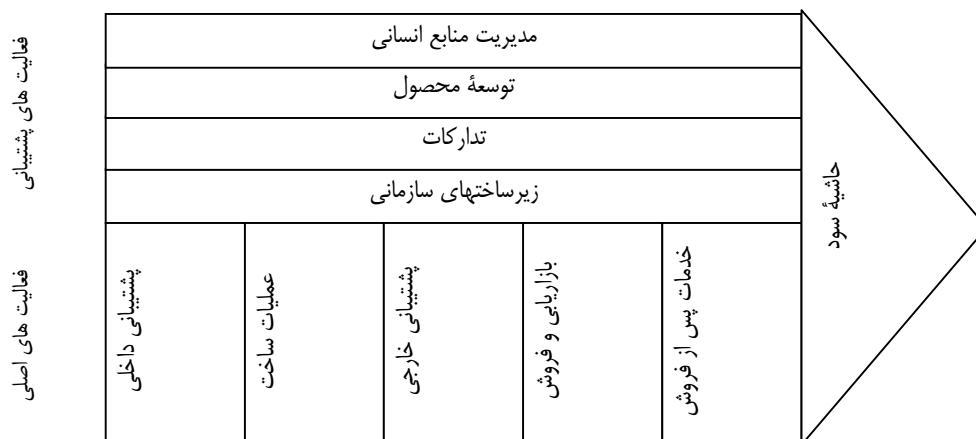
در گذشته که بین کشورها و مناطق مختلف جغرافیایی مبادلات اقتصادی صورت می‌گرفته همواره عوامل طبیعی و منابع خدادادی بیش از عوامل دیگر خود را نمایان می‌ساختند. بخش اعظمی از تجارت بین مناطق و کشورها مربوط به منابعی بوده که بسته به شرایط اقلیمی و جغرافیایی خاص منطقه مبدأ بوده است. مثلاً محصولات کشاورزی که خاص هر منطقه بوده اند به اقصی نقاط جهان انتقال می‌یافتند و در عوض کالاهای دیگری که ارزش اقتصادی بیشتری برخوردار بودند. سوداگران (بازرگانان)، آدماسمیت و ریکاردو منابع طبیعی را جهت ارزیابی رقابت پذیری ملل مهم دانسته اند. هر کشوری دارای منابعی است که اقتصاددانان آن را عوامل تولید می‌نامند. عوامل تولید در واقع ملزومات ورودی ارائه تولید یا خدمت جهت رقابت صنایع هستند. از نظر پورتر منابع طبیعی، زمین قابل استفاده، زیربناها، نیروی کار و سرمایه اجزای عوامل تولید می‌باشند. کشورهایی که دارای منابع طبیعی عمومی و تخصصی هستند از مزیت های رقابتی بیشتری

برخوردارند، به همین دلیل از سوی پورتر توصیه می شود که کشورهای در حال توسعه و یا کمتر توسعه یافته در طی دوران گذار توسعه ابتدا از منابع طبیعی و اولیه بهره برداری کنند و در طی زمان نیازهای زیرساخت‌های خود را فراهم کنند [15].

پورتر منابع مادی اساسی را فراوانی، کیفیت، سطح دسترسی و هزینه زمین، آب، شرایط اقلیمی، معادن، چوب، مناطق ماهیگیری و دیگر منابع مادی می داند. همچنین موقعیت جغرافیایی، اندازه گستردگی کشورها، ارتباط با کشورهای دیگر و روابط فرهنگی و تعاملات تجاری. نزدیکی از نظر زمان منطقه ای کشور جهت تسهیل ارتباط با دیگر کشورها را بصورت قابل توجهی ارتباطات جهانی را تحت الشعاع قرار می دهد. مثلاً روابط بین ایالات متحده با انگلستان و ژاپن برای تجارت ایالات متحده بدلیل وجود زمان مشترک در طی روز جهت خدمات مالی و معاملاتی بعنوان یک مزیت تلقی می شود [15]. زیر ساختارها و زیربناها منابع مادی پیشرفته هستند. سیستمهای حمل و نقل شامل جاده، راه آهن، بنادر، خطوط هوایی، دسترسی به آبهای آزاد، شبکه مخابرات و ارتباطات، بهداشت و سلامت .

۵-۳- فرآیندهای عملیاتی و زنجیره ارزش

در نگرش های قبلی در جهت کسب مزیت رقابتی ملل به این موضوع توجه نشده که بخشی از مزیت های رقابتی ملل از طریق فرآیندهای عملیاتی حاصل می شود. پورتر با اینکه نظریه زنجیره ارزش را در ۱۹۸۵ مطرح می کند و از سیستم ارزش ساز درون کارخانجات بهره می گیرد؛ اما از تأثیر این حوزه در مدل خود استفاده نمی کند. در یک رویکرد جامع پورتر فعالیتهای زنجیره ارزش را در عامل صنایع مرتبط و پشتیبان مدل الماس در نظر می گیرد و کشورها را در خلق ارزش و قابلیت فرآیندها با یکدیگر متفاوت می داند [14].



نگاره ۷: زنجیره ارزش پورتر [15].

فرایندها، عبارتند از ساختارهایی که بوسیله آنها، یک سازمان، آنچه را که برای ایجاد ارزش برای مشتریانش ضروری می باشد، انجام می دهد. سازمانها توالی ویژه ای از وظایف را ایجاد و همراستا می کند تا به اهداف آن دست یابند. نگرش ها و تقسیم بندی های گوناگونی نسبت به فرآیندهای عملیاتی وجود دارد. در یک تقسیم بندی فرآیندها به اصلی و فرعی تقسیم می شوند. واضح است که همه فرایندها برای موفقیت سازمانی از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند. همانطور که قدرت رقابتی کشورها از صنعتی به صنعت دیگر متفاوت است سطح تخصص کشورها در خصوص فرآیندهای عملیاتی نیز با یکدیگر فرق می کند و این تفاوت تبدیل به یک فرصت یا تهدید برای کشورها می گردد. فرآیندهای عملیاتی حلقه گمشده در خلق ارزش برای ارزیابی مزیت رقابتی ملل در مدل های گذشته بودند. رویکرد سازمانی در صنایع پیچیده با تکنولوژی بالا نیازمند گسترش تولید محصول و خدمت است. از نگاه پورتر فرآیندها به دو بخش کلی ساخت و تولید و خدمات تقسیم می شود. اغلب نمونه های رقابت جهانی در ساخت و تولید کالا مشاهده می شود. کالاها نماد جهانی شدن یک کشور با حضور در بازارهای جهانی هستند. تجارت کالاهای تولید به سرعت در بین کشورهای جهان در حال رشد است. پورتر رویکرد نوینی به بخش خدمات داشته و انواع خدمات جدیدی که به سرعت در حال شکل گیری بودند را شناسایی می کند. [15].

برای رشد اقتصادی مطلوب بخش خدمات نیز باید گسترش یابد. بازیگران اقتصادی دنیا در حال جابجایی در وظایف از ساخت و تولید به سمت ارائه خدمت هستند. استراتژی که کشورهای پیشتاز در صنایع جهانی اتخاذ کرده اند واگذاری مسئولیت تولید به کشورهای در حال

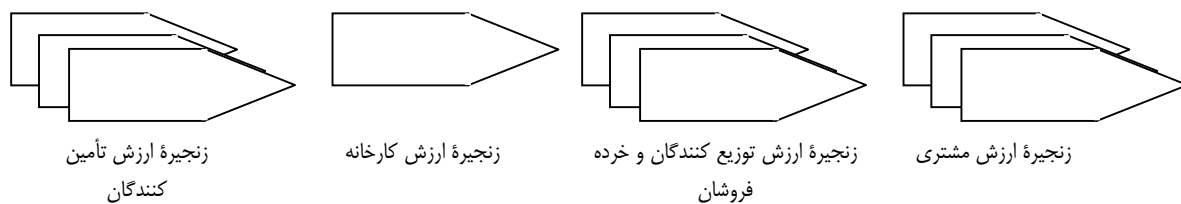
توسعه است. ارائه خدمت برای کشورهای توسعه یافته دارای مزیت‌هایی نسبت به تولید است. کمبود نیروی انسانی کارگر، اشباع بازار مصرف، هزینه های تولیدی بالا، کاهش منابع تولیدی اثرات تخریب زیست محیطی و مسائلی از این قبیل باعث شده کشورهای پیشرفته به سمت ارائه خدمت روی آورند و در عین حال با تکیه بر تجربیات صنعتی، تکنولوژی های انحصاری و اطلاعات علمی و تحقیقاتی اسرار تولید را برای خود حفظ کنند. همانطور که کشورها از استراتژی هزینه به سمت استراتژی تمایز حرکت می کنند، ماهیت عملیاتی سازمانها نیز از ساخت و تولید محصولات فیزیکی به سمت ارائه خدمات در حال جابجایی است.

کشورهای زیادی تأکید بر کمیت تولید و کسب بازارهای بیشتر دارند در حالی که برخی دیگر کیفیت را مقدم بر کمیت می دانند. ژاپنی ها در تولید برتری بیشتری نسبت به آمریکائی ها دارند. بازاریابی قدرت رقابتی ایالات متحده است. آلمانی ها از مزیت تحقیق و توسعه سود می برند. مزیت رقابتی برخی کشورها در فرآیند خرید و فروش است مثل انگلستان که با تکیه بر بازرگانان خود سود قابل توجهی را بدست می آورد [15]. تمامی این تفاوتها برگرفته از استراتژی و قابلیت‌های عملیاتی کشورها است. کشورهایی که قابلیت‌های فرآیندی خود را بهبود دهند، مزیت بیشتری برای خود ایجاد می کنند و شانس بیشتری در رقابت خواهند داشت.

فرآیندهای عملیاتی مجموعه ای از فعالیتهای اصلی سازمان همچون خرید، تدارکات، انبارداری، ساخت و تولید، تعمیرات و نگهداری، کنترل کیفیت، بازاریابی، مالی، فروش، خدمات پس از فروش، منابع انسانی، آموزش، تحقیق و توسعه وغیره می باشد و شرکتها با انجام آن داراییهای خود را افزایش می دهند. تحت تأثیر فناوری اطلاعات بسیاری از فرایندهای سازمانی دچار اصلاح و دگرگونی شده اند. فرآیندهایی سنتی تا حد زیادی تسهیل شده اند و فرآیندهایی همچون بازاریابی الکترونیکی، مدیریت فروشهای الکترونیکی، خدمات الکترونیکی به مشتری، فروش الکترونیکی مدیریت زنجیره تامین مدیریت دانش مدیریت ارتباط با مشتری، برنامه ریزی منابع سازمانی و مهندسی مجدد فرایند کسب و کار در سازمان ها متولد شده اند.

۵-۴- صنایع مرتبط و پشتیبان (خوشه صنعتی پیوسته) و شرکتهای چندملیتی

صنایع مرتبط و پشتیبان در تمامی مدل‌های رقابتی بکارگرفته شده و این نشان از همخوانی نظریات در این حوزه می باشد. در مدل پیشنهادی ما آن را در کنار شرکتهای چند ملیتی در یک بخش قرار داده ایم. این بخش به حضور و یا عدم حضور صنایع رقابتی عرضه کننده و یا سایر صنایع مرتبط با یک صنعت خاص می پردازد صنایع مرتبط و حمایت کننده شامل تأمین کنندگان مواد اولیه یا تجهیزات و ابزارآلات، توزیع کنندگان و فروشندگان، سیستم‌های توزیع محصول، موسسات تحقیقاتی، سرویس های مالی مانند بانکها و بورس اوراق بهادار، سیستم‌های حمل و نقل، دانشگاهها و ... می باشد [15]. پورتر این عوامل را سیستم ارزش می نامد که متفاوت با زنجیره ارزش است.



نگاره ۸: سیستم ارزش پورتر [15].

صنایع مرتبط و پشتیبان معنایی جز خوشه صنعتی قدرتمند ندارد. صنایع موفق کشورها همواره توسط روابط عمودی (خریدار/تأمین کننده) یا روابط افقی (مشتریان مشترک، تکنولوژی، کانالها و...) به هم متصلند. توسعه خوشه ها منابع را به سمت جریانان اقتصادی آنها هدایت می کند. تحلیل روشن و مجزا توسط سیستم الماس، خوشه های صنعتی یک کشور را بهتر هدایت می کند [15]. نظریه پروفیسور پورتر در ارتباط با خوشه ها اولین بار در سال ۱۹۹۰ معرفی شد، براساس نظریه خوشه ها، توسعه اقتصادی در صدها خوشه عمومی و خصوصی بدست می آید. پورتر در نگاه تحلیلی خوشه های صنعتی کشورها را مورد ارزیابی قرار می دهد. او صنایع مختلف در کشورها را به خوشه‌هایی دسته بندی و تحلیل می کند و در حالی که به ظاهر اسم خاصی از شرکتهای چند ملیتی نمی آورد اما به صنایع صادراتی توجه خاصی دارد. خوشه صنعت کفش ایتالیا، صنعت اتومبیل آلمان، نساجی در ژاپن و بسیاری خوشه های دیگر را می توان در مطالعات پورتر مشاهده کرد.

شرکتهای چند ملیتی صنایع عرضه کننده عوامل تولید و صنایع وابسته‌ای هستند که قابلیت رقابت در بازارهای جهانی را دارند. اگرچه از نظر منتقدان مدل الماس، پورتر چندین متغیر با اهمیت را در نظر گرفته، اما به اندازه کافی جهت تشریح اقتصادهای پیچیده امروزی جامع و کامل نیست. خصوصاً مدل الماس نمی‌توانست برای مفاهیم بین‌المللی مورد استفاده قرار بگیرد زیرا محدود به عوامل داخلی بود. شاخصهای بین‌المللی می‌بایست بصورت مناسب در سنجش میزان رقابت پذیری ملی مدنظر قرار بگیرند [17].

یکی از دو بازیگر عمده در تجارت بین‌المللی، کشورهایی هستند که دارای تأثیر عمده بر رقابت پذیری شرکتهای چند ملیتی (MNCs) دارند. شرکتهای چند ملیتی کشورهای بدون مرزی هستند که نقش اصلی را در اقتصادهای جهانی ایفا می‌کنند. مواردی زیادی می‌توان مشاهده کرد که سود و درآمد شرکتهای چند ملیتی از سود و درآمد کشورها بیشتر باشد. روند حرکت رقابت‌پذیری کشورها مورد توجه زیادی از سوی مدرسین کسب و کار بین‌المللی قرار گرفته [4]. شرکتهای چند ملیتی نوک پیکان ته‌اجمی صنایع یک کشور به کشور دیگر هستند. گسترش و بکارگیری استراتژی‌های پایدار برای شرکت‌های چند ملیتی از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند. در اکثر نمونه‌های مورد مشاهده شرکتهای جهانی آخرین حلقه فرآیند ارزش یک صنعت هستند. تفاوت در هزینه‌های عملیاتی باعث استفاده شرکتهای بین‌المللی داخلی از مزیت‌های خاص در صنایع پائین دست می‌شود در حالی که همین شرکتهای در محیط خارجی از مزیت‌های سود بالا و قیمت فروش بیشتر را سودمی‌برند.

پورتر جهانی سازی را در سلسله مراتب رشد صنعت و در تمامی موضوعات مورد مطالعه بکار می‌گیرد. به همین دلیل برخلاف نظریات دانینگ و دیگران شرکتهای چند ملیتی را در این بخش از مدل و در کنار صنایع مرتبط و پشتیبان قرار داده ایم. پورتر بیان می‌کند که بخشی از خوشه‌های صنعتی یک کشور در خارج از مرزها رشد می‌کنند. موفقیت صنعت چاپ در سوئیس را متأثر از صنعت چاپ آلمان می‌داند و در واقع بخشی از خوشه صنعت چاپ آلمان در سوئیس رشد کرده [15]. بنابراین شرکتهای چند ملیتی بخشی از صنایع مرتبط یک کشورند که محیط فعالیت آنها گسترده تر و بین‌المللی است.

۵-۵- عوامل مدیریتی (رقابت، استراتژی، ساختار، مدیریت، رهبری، بهره‌وری و...)

در مدل ارائه شده عوامل مدیریتی بخش دیگری است که مجموعه‌ای از مدل الماس و سایر نظریات است. رقابت یک شاخص با اهمیت برای پورتر در تشریح عامل استراتژی صنایع، ساختار و رقابت می‌باشد، پورتر تأکید می‌کند که رقابت باید درنده و وحشی باشد. رقابت واقعی باعث خلق ایده‌های جدید، نوآوری و خلق مزیت رقابتی می‌شود. بازارها بصورت مشابه مشوق و محرکی استثنائی جهت اقدامات داخلی نسبت به مناطق خارجی در هدایت راهبردهای رقابتی هستند.

یکی از وضعیت‌های رقابتی، ساختار رقابت پذیری است و دستاوردهای استراتژیک رقابت پذیری کشورها روشن هستند. مجموعه‌ای از استراتژی‌های مناسب به نیازمندیهای هر کشور در مراحل مختلف توسعه اقتصادی بستگی خواهد داشت تا موفقیت بیشتر توسعه اقتصادی را تضمین نماید. وقتی کشورها در وضعیت‌های رقابتی متفاوت و با ساختار رقابتی متفاوت هستند به استراتژی‌های متفاوتی نیاز و توجه دارند. بوسیله تعامل تغییرات رقابت پذیری کشورها می‌توانیم ساختار رقابتی کشورها و برخوردهای استراتژیک، برای توسعه بیشتر رقابت پذیری ملی را بشناسیم [4]. پورتر معتقد است که شرکت‌های موفق همه در یک چیز مشترکند و آن داشتن استراتژی رقابتی برای دستیابی به مزیت‌های رقابتی است. پورتر استراتژی‌های عمومی را جهت کسب مزیت رقابتی به تمرکز، تمایز و رهبری هزینه تقسیم می‌کند. هر کدام از استراتژی‌های عمومی اساساً مسیر متفاوتی برای دستیابی به مزیت رقابتی دارند [15]. استراتژی هزینه عبارتست از کاهش هزینه و اثربخشی بالا که بصورت کلان بهره برداری از عوامل تولید ارزان و کارگران در کمترین مرحله توسعه یافتگی قرار دارد. در مقابل استراتژی تنوع به هزینه بالا اما با ارزش فراوان و تمرکز بر روی شرایط تقاضا و تخصص در سطح بالایی از توسعه یافتگی قرار دارد. [4].

	هزینه پایین	تمایز
وسیع	رهبری هزینه	تمایز
محدود	تمرکز هزینه	تمرکز تمایز
قلمرو رقابتی		

نگاره ۹: استراتژی‌های عمومی [15].

بجز عوامل مذکور در الماس نظریه پردازان این حوزه عواملی دیگری را در این ارتباط مطرح می‌کنند. پورتر بیان می‌کند هیچ یک از سیستم‌های مدیریتی بتنهایی مناسب نیستند. در مدیریت بین الملل و تجارت بین الملل فرصتها و تهدیدهای مدیریتی منحصرند. وان دن بوش و پروژن بیان می‌کنند نحوه مدیریت اروپائی یک دارائی بالقوه برای صنایع اروپائی است، صنایع اروپائی می‌توانند به جایگاه مزیت رقابتی دست یابند و در این ارتباط فرآیند بین المللی شدن این صنایع بسیار قابل توجه است، در حالی که از نظر پورتر، اروپا درحوزه ساختار در وضعیت مناسبی قرار ندارد اما تنوع مدیریت اروپائی رابطه قوی با نوآوری دارد [7]. نحوه تقسیم قدرت در میان کشورها متفاوت است. "اولنگون" رقابت پذیری کشورها را براساس قدرت مورد ارزیابی می‌کند عوامل مدیریتی همچون اختیار و قدرت، پایداری اقتصاد کشورها، موسسات دولتی و امنیت را حائز اهمیت می‌داند. اهداف فردی، سازمانی و ملی نیز شکل دهنده نحوه اداره یک کشور است [9].

کشورها و صنایع آن وقتی به موفقیت دست می‌یابند که دارای رهبران مقتدر باشند. رهبران در مقابل مسائل واکنش نشان می‌دهند و از فرصتها و تهدیدات محیطی استفاده می‌کنند. در کشورهای مختلف رهبران جذب مسائل مختلفی می‌شوند. رهبران جهانی همچون آکیو مورا و کونسوکه ماتسوشیتا جذب صنایع الکترونیک می‌شوند در حالی که در آمریکا افرادی چون واتسون، کرای، آلسون به صنعت کامپیوتر روی می‌آورند. این مسئله نشان دهنده تأثیر محیط ملی برای انتخاب صنعت و مزیت رقابتی است. موفقیت رهبران به شناخت علائم و فرصتها و ابزارهای مورد نیاز برای بهره برداری بستگی دارد. رهبران پویا و درحال تغییرند، ثبات را نمی‌پذیرند، دارای انگیزه بالایی هستند و نگاه مثبت و دقیقی در شناخت مسائل از خود نشان می‌دهند [15]. در بسیاری از نظرها رقابت پذیری مترادف بهره وری است اما در واقع این دو مرتبط به یکدیگر هستند، بهره وری اشاره به توانمندی های سازمان های داخلی دارند در حالی که رقابت پذیری مرتبط با وضعیت رقا در مقابل هم است [14]. براساس مطالعات صورت گرفته مجموعه ای از عوامل مدیریتی می‌بایست به نظرات پورتر افزوده گردد. رهبری، مدیریت، اختیار و قدرت، بهره وری تعدادی از این عوامل بودند.

۵-۶- سطح تکنولوژی و فناوری اطلاعات (فناوری سخت و نرم)

براساس نظر طراحان مدل تکنولوژی های تولید و فناوری اطلاعات را در یک گروه قرار داده شده. تکنولوژی و فناوریهای نوین در کسب مزیت رقابتی از نظر پورتر پنهان مانده است. تکنولوژی به اطلاعات تجهیزات فنون و فرایندهای لازم برای تبدیل داده ها به ستاده ها اطلاق می‌شود یعنی اینکه صرفه نظر از نوع فعالیت سازمان همه سازمانها به نحوی برای تولید محصولات و یا ارائه خدمات از نوعی تکنولوژی بهره می‌گیرند علیرغم تحقیقات بسیار زیادی در خصوص نقش تکنولوژی و تاثیر آن بر رقابت پذیری اما تاکنون مدلی که بیان روشنی از تأثیر آن داشته باشد ارائه نگردیده. مشاهده شده رقابت پذیری وابستگی شدیدی به تکنولوژی دارد. پورتر عوامل را به دو گروه عوامل اساسی و پیشرفته تقسیم می‌کند و برخی از معیارهای تکنولوژیک را ذکر می‌کند، اما اسمی از تکنولوژی های نوین امروزی که باعث کسب مزیت رقابتی می‌شوند صحبت نمی‌کند. شاخص های ارتباطات و مخابرات را مورد ارزیابی قرار می‌دهد اما توجهی به فناوری اطلاعات ندارد. مشهود است کشورهایی که به سطوح بالای تکنولوژی دست یافته اند از مزیت رقابتی بالایی برخوردارند [2].

توسعه فن آوری به عنوان یکی از منابع رقابت پذیری ملل نقش اساسی در ایجاد مزیت رقابتی دارد. محققین تمرکز ویژه ای بر توسعه، انتقال، اکتساب و مدیریت تکنولوژی در کشورهای توسعه یافته دارند. تفاوت در تکنولوژی بین کشورها وابسته به مرحله توسعه آنها است، کشورهای توسعه یافته و با قدرت رقابتی بالا، سطح تکنولوژی بالایی را نیز در اختیار دارند. تکنولوژی باعث کاهش اتلاف در هزینه های عملیاتی، مواد و زمان، تسهیل در تولید، بالارفتن سرعت و کیفیت می‌شود. پایداری صنایع رقابت پذیر در اقتصاد جهانی پیچیده است، تکنولوژی می‌تواند مزیت رقابتی را حفظ کند. از نظر پورتر پایداری مزیت رقابتی ناشی از عوامل پیشرفته همچون تکنولوژی است نه از عوامل اساسی [15].

فاگر برگ دلایل محکمی مبنی بر مساعدت سیاستهای توسعه ملل از طریق ابعاد تکنولوژیکی جهت رشد اقتصادی ملل آورده است. کشورها همزمان با دستیابی به تکنولوژی وارد مرحله جدید توسعه اقتصادی می‌شوند. او نقش تحقیق و توسعه را در ارتباط با توسعه تکنولوژی حیاتی می‌داند [5]. جوزف لایا و همکارانش جهت نشان دادن ارتباط بین توسعه تکنولوژی و رقابت پذیری الگوی زیر را جهت فرمول بندی اغلب تأثیرات ملی و سیاستهای تحقیق و توسعه ارائه کرده اند. وضعیت های مختلف تکنولوژی در مقابل رقابت پذیری در ۴ حالت در نگاره ۱۰ نشان داده شده است. [12].

شرایط عوامل متأثر از کمکها و سیاست های تشویقی بازارهای سرمایه، قوانین، برنامه های تحصیلی و غیره هستند. دولت شکل دهنده شرایط تقاضای داخلی است. حضور دولت برای ارائه محصولات استاندارد داخلی یا اجرای قوانین حمایتی و نظارتی ضروری است. اغلب خود دولت بعنوان عمده ترین خریدار شناخته می شود مثل صنایع تجهیزات مخابراتی و صنایع هوایی. در یک سو دولت نقش خریدار دارد و در سوی دیگر نقش حمایتی و یا حتی نقش صدمه زننده [15].

نقش دولت آنچنان با اهمیت است که بعضی از محققین آن را همچون بستری می دانند که عوامل مدل الماس در آن شکل می گیرند و پراکنده اند. اگر ما علاقه مند به تحلیل سطوح ملی هستیم با شاخص دولت باید به عنوان یک متغیر مستقیم و درونی برخورد کنیم [4]. بر همین اساس کلیه عوامل مربوط به دولت را به ۳ بخش تقسیم بندی کرده ایم. این عوامل اصلی ترین فاکتورهای دولت در رقابت پذیری هستند. بنابراین عامل دولت را نه بصورت غیر مستقیم و نه بصورت یک بستر بلکه بعنوان بخشی از مدل انتخاب کردیم. بدلیل اهمیت دولت و نقشهای متفاوت، آن را در سه بخش تشریح کردیم که اولاً مهمترین عوامل مرتبط با دولت ارزیابی شوند ضمن اینکه یک توازن و تعادل مطلوبی بین بخشها برقرار باشد.

۵-۷-۱- مسائل فرهنگی و ارزش های اجتماعی:

منتقدین در بیان کمبود عامل فرهنگ این طور بیان می کنند که تعریف فرهنگ سخت است. در مورد فرهنگ توسط نظامهای مختلف تعاریف چندگانه ای توسعه داده شده است. با یک مرور جامع در مفاهیم و تعاریف به یک تعریف فراگیر در این ارتباط دست می یابیم؛ فرهنگ شامل الگوهای صریح و تلویحی می باشد که موجب بروز رفتارها می شود و توسط یکسری علائم تشکیل دهنده انتقال می یابد و در این زمینه باعث توفیقات گروه های انسانی و همچنین مشارکت در تولید محصولات صنعتی می شود [7].

فرهنگ های ملی و منطقه ای در اقصی نقاط جهان با هم متفاوتند و اختلاف در عوامل موجب مزیت کشورها می شود. موضوع اصلی فرهنگ شامل ایده ها و بخصوص ارزش های اجتماعی می باشد. سیستمهای فرهنگی ممکن است بعنوان نتیجه و یا شرایط عناصر فعالیت های آینده بررسی شوند. ون دن بوش معتقد است نگاه پورتر براساس یک دیدگاه منتج از فرهنگ آمریکائی است. می توان از تعاریف و ابعاد مورد توجه هاف استد در تأثیر بر فرهنگ ملی استفاده نمود. عناصر رقابت توسط عامل فرهنگ محدود می شوند، هاف استد نشان داد که فرهنگهای ملی در مردسالاری و زن سالاری متفاوتند. دستیابی به شهرت، نماد پاداش های سازمانی، کسب ثروت و همچنین عملکرد و رشد از خصوصیات جوامع مردگرا است. جوامع زن سالار تمایل به ارائه خدمات بیشتر دارند و به کیفیت زندگی اهمیت می دهند و کوچکی و آرامش را مطلوب و زیبا می دانند. فرهنگ رقابت در جوامع مرد سالار نمود بیشتری دارد و فرهنگ بر روی رقابت تأثیر گذار است. هاف استد نشان داد که ایالات متحده جامعه مرد سالار است و تأکید پورتر بر رقابت در مدل الماس برگرفته از فرهنگ کشورش است [6].

ون دن بوش و همکارانش تأثیر ۳ مورد از فرهنگ های ملی را بر مزیت رقابتی بررسی کرده اند. نتایج آنها نشان داده فرهنگ ملی جدای از رقابت نیست و در عین حال بر کل مدل الماس تأثیر گذار است. آنها فرهنگ را نه به عنوان عامل پنجم بلکه به عنوان بستری که عوامل رقابتی را تحت تأثیر قرار می دهد توصیف کرده اند. تأکید بر اهمیت فرهنگ اروپائی در همین راستا و متأثر از مدیریت اروپائی است و یک مزیت رقابتی برای این منطقه می باشد [7]. پورتر با پیشنهاد افزودن عامل فرهنگ به عوامل رقابت پذیری موافق است و در پاسخ به انتقادات بیان می کند که عامل فرهنگ مزایای رقابتی را در کلیه عوامل افزایش می دهد [15]. اونقش فرهنگ را به ۶ عاملی که منجر به کسب مزیت رقابتی می شدند قابل افزودن می داند. براساس نتایج تحقیقات وان دن بوش و وان پروژن عوامل فرهنگی پایداری مزیت رقابتی را مدیریت و هدایت می کنند.

۵-۷-۲- عوامل اقتصادی و مالی

شاخص های اقتصادی و مالی جهت درک رقابت پذیری کشورها همواره مورد توجه بوده است. حتی بسیاری از نظریات ابتدایی تنها معیار ارزیابی رقابت پذیری کشورها را براساس شاخص های اقتصادی و مالی مورد سنجش قرار می دادند. از نظر کروگمن قابلیت رقابتی یک کشور به شرایط اقتصادی آن ارتباط دارد و تا وقتی دولت بازیگر نقش اقتصادی باشد نمی توان رقابت پذیری کشورها را به روشنی درک کرد. به این معنی که رقابت پذیری در شرایط بازار آزاد خلق می شود نه اقتصادهای دولتی [13]. صنایع رقابتی از طریق عوامل اقتصادی گسترش می یابند. پورتر نوسانات کالاهای محوری، همچون شوکهای نفتی، جابجایی بازارهای مالی و نرخ ارز، نوسان زیاد در تقاضاهای جهانی یک کالا را در عامل شانس تحلیل می کند. اما این حوادث نه تنها اتفاقی نیستند بلکه قابل پیگیری و برنامه ریزی هستند. در دنیای مدرن امروز کمتر مسئله ای شانس تلقی می شود. کشورها با استفاده از روشهای پیش بینی شرایط مختلف را شبیه سازی می کنند [15].

نسبت ها و آمارهای اقتصادی نشان دهنده توانمندیهای مالی و اقتصادی کلان یک کشور هستند. حتی در برخی از گزارشات رقابت پذیری تنها بر اساس شاخص های مالی و اقتصادی سنجیده می شود. از روش های تحلیل رقابت پذیری می توان به مقایسه قیمتهای نسبی صادراتی کشورها، سهم بازار داخلی و خارجی، معیار هزینه منابع داخلی، مزیت نسبی آشکار شده، شاخص تحلیل انتقال سهم و موقعیت یابی پلان تجاری اشاره کرد. تولید ناخالص ملی، قیمت و نرخ معاملات، رشد سالانه در GDP، رشد سالانه در محصولات صنعتی، رشد سالانه نیروی کار، رشد سالانه سرمایه ملی خالص، نسبت صادرات به GDP، نسبت واردات به GDP، نرخ بیکاری، نرخ بهره، تورم، میانگین نرخ بیکاری پرکاربردترین شاخص های هستند که در تحلیل رقابت پذیری مورد استفاده قرار می گیرند.

۵-۷-۳ عوامل سیاسی و بین المللی

بخش سوم عامل دولت ناشی از عملکرد مستقیم دولت و در ارتباط با روابط سیاسی بین کشورها و امور بین الملل است. برخی اقتصاددانان در رویکردی دوطرفه رقابت پذیری را موضوعی بلندمدت و عامل ادامه حیات نظام اقتصادی سیاسی یک کشور می دانند [13]. پورتر جنگها و اغتشاشات نظامی و تصمیمات سیاسی دولتهای خارجی مثل تحریم ها و صدور قطع نامه ها را نیز در عامل شانس قرار می دهد [15] در حالی که کشورهای مورد مطالعه دارای چنین مشخصه هایی نبودند و از یک ثبات سیاسی کاملی برخوردار بوده اند. پورتر در مطالعات خود برخلاف مون، علیرغم اعتصابات کارگری در کره، هزینه دستمزد بالا و بسیاری شاخص های دیگر موقعیت کره را رقابتی تر از سنگاپور می بیند [10]. او وجود یک رشد رونده و توسعه منطقی و پیوسته را بهترین حالت می داند. نوسانات شدید نه تنها موجب موفقیت نیستند بلکه نشان از بحران و بی برنامهگی در شناخت عوامل رقابت پذیری است. در عین حال می بایست بین تمامی فرایندها و نیروهای متقابل حالت با ثباتی وجود داشته باشد که تضمین کننده اجرایی بودن برنامه ها باشد. یکی از نقش های دولت ایجاد ثبات است. تحقیق دیگری که جهت ارزیابی رقابت پذیری ۱۰ کشور آسیای جنوب شرقی شده نشان می دهد کامبوج که درگیر کشمکشهای داخلی است پائین ترین رتبه را دارد [2]. کشورهای بی ثبات و کم ثبات از نظر سیاسی و ملی همواره در انتهای رتبه بندیهای رقابتی هستند. در مجموع ثبات سیاسی می تواند کلیه عوامل پیش از خود را زیر سؤال ببرد، اولین گام جهت رقابت، دست یافتن به یک ثبات سیاسی در داخل و خارج از کشور است.

۶- نتیجه گیری و پیشنهادات

انتقادات زیادی بر مدلهای گذشته وارد شده. محیط رقابتی خارجی در ابتدا کمتر مورد توجه قرار گرفته. تقسیم بندی شرایط عوامل در مدلها نامفهوم و پیچیده بود. فاکتورهای زیادی را در این عامل دخیل نموده اند. شرایط تقاضا به خودی خود نه تنها باعث مزیت نمی شود بلکه در شرایط مختلف می تواند نوعی ضعف در رقابت پذیری باشد. مفاهیم ساختار استراتژی و رقابت براساس رویکردی مدیریتی و با تشریح کاملتری می بایست صورت بگیرد. شانس جدای از اینکه از نظر مفهومی فاصله زیادی با رقابت پذیری دارد، عواملی را تحت پوشش قرار داده که فاصله زیادی با عنوانش دارد. نقش دولت بصورت غیر مستقیم در مورد رقابت پذیری ملل غیر منصفانه و دور از باور است. علیرغم تمام انتقادات و اصلاحات در نظریه ها هر کدام در زمان خود، عملکرد خوبی از خود بجای گذاشته اند. پورتر با طراحی مدل الماس رویکرد جدیدی به این حوزه می کند. حساس ترین نقاط مدل محیط، دولت و عوامل انسانی می باشند.

ساختار مدل کنونی دارای تعادل و توازن مناسب در تقسیم بندی عوامل است. نقش دولت در مدل کنونی بصورت صحیح و در شاخص های گوناگون مورد ارزیابی قرار گرفته. عوامل و منابع تولید با ساختاری صحیح در کنار فرایندهای عملیاتی، فناوری، صنایع مرتبط و پشتیبان و شاخص های مدیریتی آورده شده اند. مدل حاضر عواملی که در مدلهای قبلی مورد انتقاد و پیشنهاد قرار گرفته بودند مثل فرهنگ و شرکتهای چند ملیتی را در شاخه های دولت و صنایع مرتبط و پشتیبان بکار گرفته. این مدل نقش دولت را برجسته ارزیابی می کند و تشریح کاملتری از صنایع مرتبط و پشتیبان ارائه شده است. نگاه جدید به ترکیب عوامل انسانی از نوآوری های این مدل است. تقسیم بندی عوامل تولید به صورت مشخص تری ارائه شده. از آنجا که قدرت فرایندهای تولیدی در کشورهای مختلف متفاوت و قابل بررسی است، عامل جدید فرایندهای عملیاتی را بعنوان حلقه واسط بین عوامل انسانی، منابع تولید و صنایع مرتبط و پشتیبان را در مدل ارائه کرده. شرایط تقاضا و شانس در مدل الماس ابتدائی، در قالب مفاهیم نوین در مدل جدید ارائه شده اند.

توجه به پرورش نیروی انسانی جهت کسب مزیت رقابتی ضمن داشتن یک برنامه تثبیت شده باید دارای برنامه های رشد و توسعه باشد. شناخت و توجه به عوامل طبیعی و زیرساختها متناسب با دیگر عوامل می تواند اثربخشی بیشتری داشته باشد. تخصیص هزینه به زیرساختها با توجه به هزینه بر بودن باید با نیازها و توانمندی های برنامه ها در بلند مدت و کوتاه مدت سازگاری داشته باشد. به همین ترتیب هزینه

های تحقیق و توسعه، تکنولوژی و فناوریهای اطلاعات باید بصورتی متوازن صورت گیرند. این مدل اگرچه بر اساس الگوی مفهومی است اما با تأکید بر حفظ ساختار اصلی مدل‌های قبلی تقسیم بندی جدیدی در عوامل صورت داده شده. تعاریف واژه‌ها در مدل پیشنهادی تشریح دقیقتری از اهداف می‌دهد. عوامل افزوده شده جدید بر اساس نتایجی که در مطالعات مختلف در ابعاد رقابت پذیری انجام شده صورت گرفته است. با وجود اهمیت مسائل استراتژیک و رقابت پذیری در سطوح ملی این مدل در عین سادگی تمام شاخص‌های با اهمیت را در کنار یکدیگر در جهت کسب نتایج بهتر از سنجش رقابت پذیری کشورها ارائه می‌دهد.

مراجع

- ۱- ره نورد، فرج‌الله، "حقیقت و افسانه در مدل پورتر"، دانش مدیریت، سال دوازدهم، شماره ۴۴، بهار ۱۳۷۸، صص ۸۵-۶۲
- 2- Chiang Kao, Wann-Yih Wu, Wen-Jen Hsieh, Tai-Yue Wang, Chinho Lin and Liang-Hsuan Chen Measuring the national competitiveness of Southeast Asian countries O.R.Applications April 2007.
- 3- Cho, D.S., 1994. *A dynamic approach to international competitiveness: the case of Korea*. J. Far Eastern Bus. 1 (1), 17-36.
- 4- Dong-Sung Cho, Hwy-Chang Moon and Min-Young Kim" Characterizing international competitiveness in international business research:A MASI approach to national competitiveness " Research in International Business and Finance, In Press, Corrected Proof, Available online 13 May 2007
- 5- Fagerberg, 1996 J. Fagerberg, Technology and competitiveness, Oxford Review of Economic Policy 12 (3) (1996), pp. 39-51.
- 6- FRANS A.J. VAN DEN BOSCH, ARNO A. VAN PROOIJEN, EUROPEAN MANAGEMENT JOURNAL Vol 10 No 2 June 1992
- 7- FRANS A.J. VAN DEN BOSCH, ARNO A. VAN PROOIJEN, European Management:1 An Emerging Competitive Advantage of Nation European EUROPEAN MANAGEMENT JOURNAL Vol 10 No 4 December 1992(
- 8- Freudenberg, M., 2003. Composite Indicators of Country Performance: A Critical Assessment. OECD DSTI/IND(2003)5.
- 9- Fusun Ulengin, Burc, Ulengin, Sule Onsel " A power-based measurement approach to specify macroeconomic competitiveness of countries" Socio-Economic Planning Sciences 36 (2002) 203-226
- 10- H. Chang Moon, Alan M. Rugman, Alain Verbeke "A generalized double diamond approach to the global competitiveness of Korea and Singapore" International Business Review 7 (1998) 135-150
- 11- J.H. Dunning, The competitive advantage of countries and the activities of transnational corporations, Transnatl. Corp. 1 (1992), pp. 135-168.
- 12- Joseph R. Laia and Paul G. Apen "Sustainable Competitive Participation: A Role for the Federal Government and the National Laboratories SO160-791X(%)00026-7
- 13- Krugman, 1996 P.R. Krugman, Making sense of the competitiveness debate, Oxford Review of Economic Policy 12 (3) (1996).
- 14- M.E. Porter, Competitive Advantage: Creating and Sustaining Superior Performance, Free Press, New York (1985).
- 15- M.E. Porter, The Competitive Advantage of Nations, Free Press, New York (1990)
- 16- O'zlem O' z "Assessing Porter's framework for national advantage: the case of Turkey" 1999 Journal of Business Research 55 (2002) 509- 515
- 17- Rugman, A.M., 1991. *Diamond in the rough*. Bus. Q 55 (3), 61-64.
- 18- Rugman, A.M., D'Cruz, J.R., 1993. *The double diamond model of international competitiveness: the Canadian experience*. Manage. Int. Rev. 33, 17-39.
- 19- Sanjaya. Lall, Competitiveness indices and developing countries: an economic evaluation of the global competitiveness report, World Dev. 29 (9) (2001), pp. 1501-1525.
- 20- Sharon O'Donnell ,Timothy Blumentritt Journal of International Management 5 (1999) 187-206
- 21- Sule Onsula, Fusun Ulengin, Gunduz Ulusoy, Emel Aktas, Ozgur Kabak, Yilker Topcu "A new perspective on the competitiveness of nations" Socio-Economic Planning Sciences 2007

- 22- The Global Competitiveness Rankings, World Economic Forum (WEF), Oxford University Press, New York, NY (2003).
- 23- World Competitiveness Yearbook, International Management Development (IMD) (2005).